

The Relationship between Loan Financing with Expenses Management and the Effect of Audit Quality

*** H. Esnaashari**

Assistant Professor of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Loan financing is one of the important approaches to obtain resources which can changes the expense behavior through management incentives. In addition, auditing and its quality can protect the bank's benefit using control on opportunistic incentives as a component of corporate governance. The relationship between financing from the banking system with expenses management and the effect of audit quality on is investigated in this research. Long term Loan Financing as a proxy of financing from the banking system and audit firm category as a proxy of audit quality have been used. Expenses management also is measured by the relationship between logarithm of GA&S expense ratio with logarithm of revenue ratio. As a result, 127 firms (762 firm-year) listed on TSE in 2010 to 2015 with considering some characteristic is examined. The regression analysis (FGLS) - pooled method is used to analyze data.

The result reveal Loan Financing motivates companies to reduce their expenses; in other word, expenses behave more symmetric in companies which finance from banks. In addition, audit quality does not affect expense behavior in these companies.

Keywords: Loan Financing, Expenses Management, Audit Quality.

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال نهم، شماره اول، پیاپی (۳۱)، بهار ۱۳۹۶
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۱
صص: ۲۱-۳۷

رابطه تأمین مالی بانکی با مدیریت هزینه و اثر کیفیت حسابداری

حمیده اثنی‌عشری*

* استادیار، حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
h_asnaashari@sbu.ac.ir

چکیده

تأمین مالی بانکی یکی از روش‌های مهم کسب منبع است و با اثرگذاری بر انگیزه‌های مدیر ممکن است رفتار هزینه را تغییر دهد. به‌علاوه، حسابداری و کیفیت آن که یکی از سازوکارهای راهبردی شرکتی است با کنترل انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیر از منافع بانک حفاظت می‌کند. در این پژوهش، رابطه تأمین مالی بانکی با مدیریت هزینه و اثر کیفیت حسابداری بر آن بررسی شد. دریافت تسهیلات بلندمدت بانکی که شاخص سنجش تأمین مالی بانکی است و طبقه مؤسسات حسابداری برای سنجش کیفیت حسابداری به‌کار گرفته شد؛ مدیریت هزینه با استفاده از رابطه بین لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی اندازه‌گیری شد. در این راستا، داده‌های ۱۲۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها (۷۶۲ شرکت - سال) آزمون شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل رگرسیون (حداقل مربعات تعمیم‌یافته‌شدنی) - روش داده‌های ترکیبی به‌کار گرفته شد. نتایج نشان داد هزینه در شرکت‌هایی که مبادرت به تأمین مالی از نظام بانکی می‌کنند، در مقایسه با دیگر شرکت‌ها مدیریت می‌شود و رفتار متقارن‌تری دارد. به‌علاوه، کیفیت حسابداری بر رفتار هزینه در این شرکت‌ها اثری ندارد.

واژه‌های کلیدی: تأمین مالی بانکی، مدیریت هزینه، کیفیت حسابداری.

مقدمه

بانک‌ها همواره نقش مهمی در تأمین مالی فعالیت‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها داشته‌اند و کسب منابع از این طریق برای شرکت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند تأمین مالی بانکی یکی از عوامل بالقوه اثرگذار بر تصمیمات مدیر در حوزه مدیریت هزینه است [۲۱]. آنچه مدیران را به جذب چنین منابعی تشویق می‌کند، تمایل آنها به کسب قدرت، شهرت و منفعت است. هرچه وجوه نقد آزاد و منابع در دسترس مدیران زیاد شود، مشاهده رفتارهای فرصت‌طلبانه از سوی آنها محتمل‌تر خواهد بود [۲۹]. گزارشگری مالی ابزاری است که به مدیران اجازه می‌دهد اطلاعاتشان درباره شرکت را با به‌کارگیری استانداردهای حسابداری به سرمایه‌گذاران منتقل کنند. لازمه چنین کاری آن است که مدیران اجازه اعمال قضاوت در به‌کارگیری روش‌های حسابداری را داشته باشند. این در حالی است که بین مدیر و سرمایه‌گذاران عدم‌تقارن اطلاعاتی وجود دارد که زمینه‌ساز خطر اخلاقی است؛ به این ترتیب مدیر می‌تواند از قضاوت خود در شناخت رویدادها به شیوه‌ای بهره‌گیرد که تصمیم سرمایه‌گذاران در خصوص عملکرد شرکت را هدایت کند و یا بر شاخص‌های وابسته به عملکرد مندرج در قراردادهای بدهی اثر بگذارد [۲۸]. اگرچه مدیر در کنار اعمال قضاوت می‌تواند با اتکا به قدرت تصمیم‌گیری خود در ارتباط با زمان‌بندی تأمین منابع و ساختار آنها، نیز عملکرد را مدیریت کند. در سال‌های گذشته پژوهش‌های زیادی به بررسی رفتار هزینه شرکت‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها بیانگر آن بوده‌اند که تصمیمات مدیریت در تعیین سطح هزینه از الگویی متقارن پیروی نمی‌کنند و نسبت کاهش

هزینه‌ها در دوره کاهش درآمد، تناسبی با افزایش آنها در دوره افزایش درآمد ندارد؛ عده‌ای مشاهده چنین رفتاری از سوی مدیریت را نشانه‌ای از رفتار فرصت‌طلبانه آنها می‌دانند و معتقدند مدیر به دلیل حفظ رفاه اقتصادی خود تصمیم به نگهداشت منابع می‌گیرد. این در حالی است که عده‌ای دیگر بیان می‌کنند آنچه چنین رفتاری را سبب می‌شود، ابهام‌های پیش‌روی مدیریت در ارتباط با سطح فعالیت آتی است. چنانچه مدیر بر این باور باشد کاهش درآمد موقتی است، آنگاه حفظ منابع را گزینه‌ای می‌داند که باعث افزایش ارزش شرکت در آینده می‌شود [۲۳، ۴۳]. در این صورت رفتار نامتقارن هزینه^۱، نشانه‌ای از رفتار اقتصادی مدیر تعبیر می‌شود. عوامل مختلفی بر تصمیم مدیر در چگونگی مدیریت هزینه اثرگذار هستند که از جمله آنها انگیزه‌های تأمین مالی و حفظ شرایط مندرج در قراردادهای بدهی است [۳۱]. چنانچه مدیر در تأمین مالی، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه داشته باشد، آنگاه تلاش می‌کند با کاهش هزینه در دوره‌های کاهش درآمد، احتمال کسب منابع از طریق تأمین مالی را افزایش دهد. هرچه نرخ تأمین مالی بانکی در مقایسه با دیگر روش‌های تأمین مالی کمتر باشد، انگیزه مدیران برای کاهش رفتار نامتقارن هزینه به شکل فرصت‌طلبانه بیشتر است [۲۱]. مدیریت هزینه ممکن است از طریق مدیریت ارقام تعهدی و یا فعالیت‌های واقعی صورت پذیرد. اگرچه مدیریت هزینه از طریق ارقام تعهدی با سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد، اما مدیر تنها به اتکای ارقام تعهدی نمی‌تواند بستر مناسب را برای جذب منابع و یا پایبندی به قرارداد بدهی فراهم

¹ Cost stickiness

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فعالیت‌های تأمین مالی یکی از مهمترین عوامل در چگونگی مدیریت هزینه است. نخستین بار دیچو واسکراند (۲۰۱۰) نشان دادند کسب منابع از بازارهای بدهی بر انگیزه‌های مدیران اثرگذار است. تأمین مالی بانکی در مقایسه با دیگر روش‌های تأمین مالی رواج بیشتری دارد و از سوی وام‌دهندگان به میزان بیشتری نظارت می‌شود؛ به همین سبب، این موضوع که مدیر چگونه عملکرد شرکت را در شرایطی که از بانک تأمین مالی می‌کند، مدیریت می‌کند، همواره متوجه پژوهشگران بوده است. از یک‌سو، مدیران تمایل دارند با مدیریت عملکرد خود تصویر مطلوبی از واحد تجاری به نمایش بگذارند و قدرت چانه‌زنی‌شان را در قراردادهای بدهی بهبود دهند؛ از سوی دیگر، چنانچه بانک‌ها از طریق ابزارهای نظارتی‌شان متوجه مدیریت عملکرد شرکت شوند، آنگاه احتمال دریافت وام کاهش می‌یابد و بهره‌مندی از شرایط مطلوب در قراردادهای تأمین مالی دشوار می‌شود. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که مدیران از دو مجرای اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی، هزینه را مدیریت می‌کنند. مدیریت هزینه از طریق اقلام تعهدی به اتکای نقش قضاوت مدیر در شناخت اعمال می‌شود. این نوع مدیریت، گرچه بر عملکرد گزارش‌شده اثر می‌گذارد، اما جریان‌های نقد حاصل از عملیات را تغییر نمی‌دهد [۲۱، ۲۴]. کم‌نمایی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول در نهادهای مالی و تعویق حذف دارایی‌های ثابت در شرکت‌های سرمایه‌بر نمونه‌هایی از مدیریت اقلام تعهدی هستند. در حالی که مدیریت هزینه از طریق فعالیت‌های واقعی به پشتوانه تصمیمات مدیریت در خصوص زمان‌بندی و ساختار معاملات صورت می‌گیرد و بر

کند و معمولاً بانک‌ها ترکیبی از شاخص‌های عملکردی و نقدی را برای نظارت بر قرارداد بدهی به‌کار می‌بندند. آنچه نباید از نظر دور داشت آنکه مدیر، دغدغه وضعیت شرکت در بلندمدت را در ذهن دارد و نمی‌تواند تأمین مالی را به بهای هر تغییر ساختاری در منابع صورت دهد؛ به همین سبب، چنانچه مدیر نسبت به تداوم وضعیت فعلی ابهام داشته باشد و یا شرایط نامساعد حاکم را موقتی بداند، آنگاه انگیزه‌های تأمین مالی نمی‌تواند تقارن بیشتر در رفتار هزینه را به دنبال داشته باشد. تأمین‌کنندگان مالی از وجود تضاد منافع با مدیر آگاه هستند و می‌دانند فرایند تأمین مالی از بانک برای مدیران در مقایسه بازار سرمایه آسان‌تر است؛ بدین سبب از مجرای حسابرسی بر گزارش‌های مالی و رعایت مفاد قرارداد بدهی نظارت دارند. حسابرسی مستقل یکی از ارکان مهم راهبری شرکتی است که با نظارت بر مدیر، رفتار فرصت‌طلبانه او را محدود می‌کند و رفتار نامتقارن هزینه را چنانچه از مقاصد منفعت‌طلبانه و نه رفتار اقتصادی ناشی شده باشد، کاهش می‌دهد [۳۳]. آنچه باعث انجام این پژوهش شد، کسب دانش نسبت به چگونگی اثرگذاری انگیزه‌های تأمین مالی بانکی بر تصمیمات مدیریت هزینه و نقش حسابرس مستقل در این رابطه است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که آیا هزینه به‌طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد؟ آیا تأمین مالی بانکی با رفتار نامتقارن هزینه مرتبط است؟ آیا کیفیت حسابرسی ممکن است بر رفتار هزینه در شرکت‌هایی که از نظام بانکی تأمین مالی می‌کنند، تأثیر بگذارد؟

جریان‌های نقدی مؤثر است [۴۴، ۳۴]. رویچدهری (۲۰۰۶)، این نوع مدیریت را تلاشی می‌داند که از طریق فعالیت‌هایی متفاوت از فعالیت‌های عادی شرکت انجام می‌شود تا سرمایه‌گذاران باور کنند شرکت به اهداف عملیاتی خود دست یافته است؛ اگرچه واقعیت بر خلاف آن است. کاهش هزینه فعالیت‌های تحقیق و توسعه، افزایش حجم تولید و کاهش بهای تمام‌شده محصولات و کاهش هزینه‌های تبلیغات از جمله نمونه فعالیت‌های واقعی هستند. از آنجا که نظارت بیشتری بر قراردادهای بدهی وجود دارد، بنابراین مدیران اغلب عملکردشان را با استفاده از فعالیت‌های واقعی مدیریت می‌کنند [۲۹]. پژوهشگران در سال‌های گذشته دریافته‌اند هزینه‌ها رفتار مشابهی در تمامی سطوح تغییرات درآمد ندارند؛ به گونه‌ای که همبستگی افزایش هزینه‌ها با افزایش درآمدها بیشتر از همبستگی کاهش درآمدها با کاهش هزینه‌هاست. نخستین بار اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) به این موضوع پی بردند. آنها رفتار نامتقارن هزینه را چسبندگی هزینه نامیدند و آن را نشانه‌ای از مدیریت هزینه دانستند [۲۱]. در خصوص توصیف انگیزه‌های مدیر برای مدیریت هزینه و مشاهده رفتار نامتقارن هزینه دو نظریه اصلی به شرح زیر ارائه شده است:

نظریه نمایندگی: معتقد است مدیر در تصمیمات مدیریت هزینه انگیزه‌های منفعت‌طلبانه دارد و مشاهده رفتار نامتقارن هزینه از مشکلات نمایندگی نشئت می‌گیرد. مدیران به دنبال تأمین منافع خود هستند و در این راستا منابع شرکت را تلف می‌کنند. آنها اغلب تمایل دارند شرکت‌های بزرگ و با منابع زیاد در اختیار داشته باشند. به این ترتیب، با ساختن امپراتوری، کارآمدی عملیات را قربانی اندازه شرکت

می‌کنند. چنین رفتاری ارزش شرکت را کاهش می‌دهد، اما می‌توان آن را از طریق استقرار سازوکارهای راهبری شرکتی کنترل کرد [۳۱].

چنانچه مدیر در مدیریت هزینه انگیزه‌های منفعت‌طلبانه داشته باشد، آنگاه تأمین مالی بانکی ممکن است بر این انگیزه‌ها اثرگذار باشد و رفتار نامتقارن و چسبندگی هزینه را کاهش دهد؛ زیرا مدیر در شرایط کاهش درآمد ناچار است برای حفظ شرایط قرارداد بدهی هزینه‌ها را کاهش دهد. اگرچه کاهش هزینه به معنای کاهش توان و ظرفیت عملیاتی شرکت از راه‌هایی چون کاهش حجم دارایی‌های ثابت و کارکنان است، اما رفتار نامتقارن هزینه باعث می‌شود نقدینگی شرکت در دوره‌های کاهش درآمد به شدت کاهش یابد. در شرایطی که انگیزه‌های مدیر برای مدیریت هزینه منفعت‌طلبانه شد، آنگاه حساسیتی و کیفیت آن که یک بازوی نظارتی است، ممکن است از شدت رفتار نامتقارن هزینه بکاهد [۲۱].

نظریه رفتار اقتصادی: معتقد است مدیر هزینه‌ها را به شکل آگاهانه مدیریت می‌کند و تصمیمات خود را معقول و سنجیده می‌گیرد به گونه‌ای که منافع شرکت در بلندمدت تأمین شود؛ به این معنی که چنانچه کاهش درآمد موقتی باشد یا میزان درآمدها در آینده مبهم باشد، آنگاه کاهش هزینه از طریق واگذاری منابع گرچه در کوتاه‌مدت عملکرد را بهبود می‌دهد، اما در بلندمدت به دلیل هزینه‌های کسب مجدد منابع و هزینه‌های فرصت ناشی از کاهش توان عملیاتی به زیان شرکت است [۲۰]. در این صورت، به دلیل آنکه پاداش و شهرت مدیر به عملکرد بلندمدت شرکت وابسته است، بنابراین منافعش با سرمایه‌گذاران همسوست.

نامناسب مدیریتی خود را به مدیران قبلی یا بعدی خود منتقل کنند [۳۸، ۴۲].

انتظارات بازار سرمایه و ارزش‌گذاری: مدیریت گاه برای مخابره اطلاعات محرمانه به فعالان بازار اقدام به مدیریت هزینه می‌کند [۲۸، ۳۸].

در خصوص چگونگی تصمیم‌گیری شرکت‌ها در انتخاب منابع تأمین مالی و ترکیب آنها نظریه‌های متعددی ارائه شده است که رایج‌ترین آنها عبارت‌اند از: نظریه سلسه‌مراتبی (ترجیحی) که معتقد است شرکت‌ها در انتخاب منابع تأمین مالی سلسه‌مراتب معینی دارند و در شرایط تقارن اطلاعاتی، منابع داخلی را به خارجی ترجیح می‌دهند؛ و نظریه توازن ایستا که معتقد است هر شرکت نسبت بدهی بهینه‌ای دارد و تلاش می‌کند به آن نزدیک شود [۱۸].

پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع پژوهش را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد: ۱- پژوهش‌هایی که رفتار هزینه را بررسی کرده‌اند: برادبری و اسکات [۲۲]، رفتار هزینه دولت محلی را در نیوزلند آزمون کردند و دریافتند آن رفتاری نامتقارن دارد. ابوسردانه [۱۹]، رفتار چسبنده اقلام مختلف هزینه را آزمون کرد. نتایج پژوهش نشان داد هزینه‌های اداری و عمومی رفتاری نامتقارن دارند، اما بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های فروش همگام با درآمد تغییر می‌کنند. پورپوراتو و ورین [۳۷]، دریافتند بانک‌های برزیلی، آرژانتینی و کانادایی هزینه‌هایی نامتقارن دارند به گونه‌ای که درآمدها با افزایش هزینه‌ها در مقایسه با کاهش آنها رابطه قوی‌تری دارند. هی و همکاران [۲۷]، بیان کردند هزینه در شرکت‌های ژاپنی به شکلی نامتقارن رفتار می‌کند. اسماعیل‌زاده و مهرنوش [۱]، چراغی [۶]، زنجیردار و همکاران [۹]، شبیه و همکاران [۱۰]، نمازی و

به همین سبب، چنانچه مدیر معتقد باشد کاهش در توان عملیاتی و به تبع آن هزینه در زمان کاهش درآمد باعث می‌شود در آینده توان کسب سود شرکت کاهش یابد، آنگاه انگیزه کسب منابع مالی نمی‌تواند باعث مشاهده رفتار نامتقارن هزینه شود و وام‌دهندگان ناچارند در ریسک منفی حجم عملیات سهیم شوند. در چنین شرایطی کیفیت حسابرسی نمی‌تواند بر کاهش رفتار نامتقارن هزینه اثرگذار باشد [۲۱].

در ادبیات نظری به عوامل متفاوتی اشاره شده است که بر انگیزه‌های مدیران در خصوص مدیریت هزینه اثرگذار هستند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قراردادهای بدهی: بر این اساس هرچه میزان بدهی‌های شرکتی بیشتر باشد، مدیر انگیزه بیشتری برای مدیریت هزینه به گونه‌ای که مفاد قراردادهای بدهی تأمین شود، دارد [۴۱، ۳۸].

قراردادهای پاداش: از آنجا که پاداش مدیران بیشتر به عملکرد شرکت گره می‌خورد، مدیران انگیزه دارند برای دستیابی به پاداش بیشتر اقدام به مدیریت هزینه کنند [۳۸، ۴۲].

هزینه‌های سیاسی: بر این اساس، شرکت‌ها گاه برای اجتناب از مداخلات دولت دست به مدیریت هزینه می‌زنند [۳۹، ۳۸].

حسن شهرت و حفظ قدرت: مدیران تمایل دارند شرکت در دوران مدیریت آنها عملکرد مناسبی داشته باشد تا بدین ترتیب با ایجاد حسن شهرت، فرصت‌های مدیریتی مناسبی در بازار کار برای خود فراهم کنند؛ به این ترتیب یا عملکرد بلندمدت شرکت را مدنظر قرار می‌دهند و منافعان با سرمایه‌گذاران همسوست و یا تلاش می‌کنند عملکرد

همکاران [۱۶] و نمازی و دوانی‌پور [۱۷]، دریافتند هزینه‌ها واکنش متفاوتی را در برابر تغییرات مثبت و منفی درآمد نشان می‌دهند. ۲- پژوهش‌هایی که رابطه مدیریت سود، رفتار هزینه و تأمین مالی را آزمون کرده‌اند: هوکو و همکاران [۲۹]، اثر مدیریت سود را بر رفتار هزینه آزمون کردند. آنها دریافتند هزینه در شرکت‌هایی که انگیزه مدیریت سود را دارند، در مقایسه با دیگر شرکت‌ها رفتار متقارن‌تری دارد. لی و همکاران [۳۲]، رابطه ابهام سیاسی را بر رفتار هزینه بررسی کردند. نتایج نشان داد ابهام سیاسی ناشی از انتخابات رفتار نامتقارن هزینه را تقویت می‌کند. بنکر و فانگ [۲۱]، رابطه بین تأمین مالی و رفتار هزینه را آزمون کردند. نتایج نشان داد در دوره‌های کاهش درآمد، شرکت‌هایی که قصد تأمین مالی از طریق بدهی را دارند، هزینه‌های خود را به میزان بیشتری در مقایسه با دیگر شرکت‌ها کاهش می‌دهند. کاما و ویس [۳۱]، دریافتند در شرکت‌هایی که مدیریت انگیزه دارد، پیش‌بینی‌های تحلیلگران را پوشش دهد یا از گزارش زیان اجتناب کند، هزینه رفتار متقارن‌تری را از خود به نمایش می‌گذارد. احمدی‌مقدم [۲]، به بررسی اثر محدودیت تأمین مالی بر مدیریت سود پرداخت. نتایج نشان داد بین اهرم مالی و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. میرحیدری [۱۴]، رابطه هزینه تأمین مالی و مدیریت سود را آزمون کرد؛ او دریافت مدیریت سود با هزینه‌های تأمین مالی رابطه‌ای مثبت دارد. اصفهانیان و همکاران [۳]، رابطه تأمین مالی و کیفیت سود را بررسی کردند. آنها دریافتند تأمین مالی بر کیفیت سود اثرگذار نیست. مهم و همکاران [۱۵]، وجود رابطه‌ای منفی بین مدیریت سود و بدهی را نشان دادند. ۳- پژوهش‌هایی که رابطه نظام راهبری شرکتی را با

مدیریت سود و رفتار هزینه بررسی کرده‌اند: نواصح [۳۵]، اثر کیفیت حسابرسی را بر مدیریت سود آزمون کرد. نتایج نشان داد دوره گردش حسابرسی، هزینه حسابرسی و همکاری با مؤسسات بین‌المللی با مدیریت سود رابطه منفی دارد. ژای و هانگ [۴۳]، نشان دادند یک نظام راهبری مناسب ممکن است رفتار نامتقارن هزینه را کاهش دهد. هانگ و همکاران [۳۰]، دریافتند یک نظام راهبری مناسب با افزایش اثرگذاری طرح‌های پاداش مدیریت هزینه‌های نامتقارن را کاهش می‌دهد. لیانگ و همکاران [۳۳]، اثر کیفیت حسابرسی را بر رفتار هزینه آزمون کردند؛ نتایج نشان داد کیفیت حسابرسی با رفتار متقارن هزینه رابطه دارد. حیدرپور و طاهروردی [۷]، دریافتند نظام راهبری شرکتی با مدیریت سود رابطه‌ای منفی دارد. باقری [۴]، صفرزاده و بیگ‌پناه [۱۱] و علیمردی و احمدی [۱۲] راهبری شرکتی را عاملی مؤثر بر کاهش رفتار نامتقارن هزینه نشان دادند.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده ممکن است هزینه به‌طور میانگین رفتاری نامتقارن داشته باشد [۱۷، ۱۶، ۱۰، ۹، ۶، ۱، ۲۷، ۳۷، ۲۲]؛ یعنی تغییرات هزینه واکنش بیشتری به تغییرات افزایشی درآمد در مقایسه با تغییرات کاهشی آن از خود نشان می‌دهد. چنانچه مدیریت، اقدام به تأمین مالی بانکی کند، ممکن است تأمین مالی با اثرگذاری بر انگیزه‌های مدیر با رفتار نامتقارن هزینه رابطه‌ای منفی داشته باشد [۳۱، ۲۱، ۱۴، ۲۹]؛ به این معنی که هزینه در شرکت‌هایی که تأمین مالی بانکی می‌کنند، در مقایسه با دیگر شرکت‌ها رفتار متقارن‌تری دارد. به علاوه، کیفیت حسابرسی که یکی از ارکان نظام راهبری شرکتی است با رفتار هزینه رابطه دارد و بر آن

اثرگذار است و رفتار نامتقارن آن را کاهش می‌دهد [۴۳، ۳۰، ۳۳، ۴، ۱۱، ۱]؛ بنابراین، هزینه در شرکت‌هایی که تأمین مالی می‌کنند و کیفیت حسابرسی بیشتری دارند، در مقایسه با دیگر شرکت‌ها رفتار متقارن‌تری دارد.

فرضیه‌های پژوهش

برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش و به پشته‌مبانی نظری و سابقه پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شد:

فرضیه اول: هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به‌طور میانگین رفتاری نامتقارن دارند.

فرضیه دوم: تأمین مالی بانکی با رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش رابطه منفی و معناداری دارد.

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی بر رابطه تأمین مالی بانکی با رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش اثر می‌گذارد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر فلسفه از نوع اثباتی، از نظر منطق اجرا از نوع قیاسی، از نظر هدف از نوع توضیحی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از نظر زمان انجام از نوع طولی- گذشته‌نگر و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع آرشیوی است [۴۰]. متغیرهای مستقل پژوهش لگاریتم نسبت درآمد دوره جاری به دوره گذشته، تأمین مالی بانکی و کیفیت حسابرسی و متغیر وابسته پژوهش لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دوره جاری به دوره گذشته است. متغیرهای نرخ رشد دارایی‌های ثابت و تغییرات درآمد برای متغیرهای کنترلی در نظر

گرفته شدند. بعد از محاسبه آمارهای توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و رابطه‌ای، از تحلیل رگرسیون استفاده شد؛ به این ترتیب که پایایی متغیرها بررسی شد و برای تعیین روش برآورد، آزمون چاو (F مقید) انجام شد. سپس نگاره ضرایب رابطه رگرسیونی به‌کار گرفته شد تا معنادار بودن ضرایب رابطه (با به‌کارگیری P-Value محاسبه‌شده و سطح خطای موردنظر α) تعیین شود؛ در پایان، پیش‌فرض‌های رابطه (آزمون میانگین خطاها، مستقل بودن خطاها، ثابت‌بودن واریانس خطاها و هم‌خطی متغیرهای مستقل) بررسی شد تا بتوان نتایج رگرسیون را پذیرفت.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از رابطه (۱) استفاده شد [۴۳، ۲۹]:

$$\log \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \beta_2 DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \sum \beta_j \text{contrl}_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۱)

که در آن:

SGA_{it} = هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i (در سال t و t-1)؛

REV_{it} = درآمد عملیاتی شرکت i (در سال t و t-1)؛

DUM_{it} = متغیر موهومی است، اگر درآمد شرکت i در سال t نسبت به سال t-1 کاهش یابد، یک و در غیر این صورت صفر است؛

$contrl_{it}$ = متغیرهای کنترلی هستند که شامل $GPEE_{it}$ نرخ رشد دارایی‌های ثابت (حاصل تقسیم تغییرات ارزش خالص دارایی‌های ثابت بر مجموع دارایی‌ها شرکت i در سال t) و $\Delta Sale_{it}$ تغییرات درآمد شرکت (حاصل تقسیم تغییرات درآمد بر مجموع دارایی‌های شرکت i در سال t) هستند.

بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان سال مالی ۱۳۹۳ در فهرست باقی مانده باشد؛

۲- دوره مالی آن متنی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛

۳- در گروه شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری‌های مالی نباشد؛

به این ترتیب تعداد ۱۲۷ شرکت (۷۶۲ شرکت-سال) بررسی شد.

مبانی نظری پژوهش از کتاب‌ها و مجله‌های تخصصی فارسی و انگلیسی و داده‌های نیازمند برای آزمون فرضیه‌ها با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، بانک جامع اطلاعاتی پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری شد.

روش آزمون فرضیه‌های پژوهش

ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون‌های ایم، پسران و شین (۲۰۰۳) و لوین، لین و چو (۲۰۰۲) آزمون شد؛ نتایج بیانگر آن بود متغیرها در سطح پایا هستند. بنابراین، نیازی به انجام آزمون هم‌انباشتگی نبود و از سطح متغیرها استفاده شد. سپس، با توجه به نتایج آزمون‌های چاو، از روش داده‌های ترکیبی (Pooled) برای برآورد رابطه‌ها استفاده شد. نتایج در نگاره (۱) ارائه شده است. آزمون‌های تشخیصی دوربین-واتسون و عامل تورم واریانس (VIF) هم نشان دادند برآورد رابطه‌های پژوهش باعث دستیابی به ضرایب خطی بدون تورش و سازگار می‌شوند. به علاوه، به منظور کاهش اثرات مربوط به ناهمسانی واریانس جملات اخلال بر نتایج رگرسیون (پس از انجام آزمون براش، پاگان (۱۹۷۳)) از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته‌شدنی (FGLS) با وزن‌دهی به مقاطع استفاده شد.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از رابطه (۲) استفاده می‌شود [۴۳، ۲۶، ۲۹]:

$$\log \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \beta_2 DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \beta_3 DUM_{it} * DFIN_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \sum \beta_j \text{ctrl}_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲)

که در آن:

$DFIN_{it}$: متغیر موهومی است که اگر شرکت i در سال t بیش از ۵٪ مانده بدهی‌های بلندمدت خود در ابتدای دوره از نظام بانکی تأمین کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر است [۵].
برای آزمون فرضیه سوم از رابطه (۳) استفاده می‌شود [۴۳، ۲۶، ۲۹]:

$$\log \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \beta_2 DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \beta_3 DUM_{it} * DFIN_{it} * DAudit_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right] + \sum \beta_j \text{ctrl}_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳)

که در آن:

$DAudit_{it}$: متغیری موهومی است؛ چنانچه حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی معتمد بورس در طبقه اول باشد، یک و در غیر این صورت صفر است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش به روش غربالگری و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر تعیین شد:

۱- نام شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۸۸ در فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

نگاره ۱: نتایج آزمون پایایی و شیوه برآورد مدل‌های پژوهش

متغیرها	آزمون‌های پایایی متغیرها	آزمون چاو
	ایم، پسران و شین	لین و چو
لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش	۰/۲۸***	۰/۹۸
لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی	۰/۳۵۲***	۱/۰۶
نرخ رشد دارایی‌های ثابت	۰/۶۵۸***	۱/۱۱
تغییرات درآمد شرکت	۰/۵۵۶***	۰/۸۷۴***

*** معنادار در سطح ۱٪، ** معنادار در سطح ۵٪، * معنادار در سطح ۱۰٪

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانچه این ضریب معنی‌دار باشد فرضیه سوم پژوهش تایید می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرها به شرح نگاره (۲) می‌باشد:

برای آزمون فرضیه اول، ضریب β_2 در رابطه (۱) بررسی می‌شود؛ چنانچه ضریب منفی و معنی‌دار باشد فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود. برای آزمون فرضیه دوم نیز ضریب β_3 در رابطه (۲) بررسی می‌شود؛ چنانچه این ضریب مثبت و معنی‌دار باشد فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود. به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش نیز ضریب β_3 در رابطه (۳) بررسی می‌شود؛

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح متغیر	میانگین	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش	۰/۱۶	۰/۱۶	۲/۸۰	-۲/۶	۰/۳۳
لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی	۱/۲۱	۱/۱۷	۴/۲۳	۰/۰۶	۰/۴۰
تأمین مالی بانکی	۰/۵۴	۱	۱	۰	۰/۴۹
کیفیت حسابرسی	۰/۷۰	۱	۱	۰	۰/۴۵
تغییرات لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش	۰/۰۱۶	۰/۰۴	۳/۲۷	-۴/۴	۰/۵۱
تغییرات لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی	-۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۲	۳/۱۱	-۳/۱۹	۰/۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش

بیشتری داشته‌اند. این در حالی است که تغییرات این دو متغیر بیانگر آن است که به طور میانگین روند افزایشی هزینه‌ها با شیبی تندتر و روند افزایشی درآمدها به شیبی کندتر ادامه داشته است. نیمی از شرکت‌های نمونه از طریق نظام بانکی تأمین مالی کرده‌اند و به طور میانگین از کیفیت حسابرسی مناسبی بهره برده‌اند. از این‌رو، شرکت‌ها به طور متداول از منابع بانکی برای تأمین مالی بهره می‌گیرند.

بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نشان داد میانگین لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در مقایسه با لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی کوچکتر است و پراکندگی کمتری دارد؛ به این معنی که در دوره بررسی شده پژوهش، درآمدها و هزینه‌ها روند افزایشی داشته‌اند که میزان افزایش در درآمدها بیشتر بوده است. به علاوه، مدیران بر هزینه‌های خود در مقایسه با درآمد کنترل و احتیاط

نتایج آزمون فرضیه‌ها

ضرایب رابطه برآوردشده، نتایج آزمون معناداری

فرضیه اول

هر یک و کل رابطه در نگاره (۳) ارائه شده است:

برای آزمون این فرضیه از رابطه (۱) استفاده شد.

نگاره ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3
متغیر	عرض از مبدأ	$\log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$\Delta Sale_{it}$
مقدار	۰/۱۰	۰/۰۶	-۰/۰۴	۰/۱۱
آماره t	۷/۱۳	۳/۴۱	-۳/۰۵	۴/۴۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آماره F		۱۷/۲۳	آماره دوربین-واتسون	۲/۱۲
سطح معناداری		۰/۰۰۰	χ^2 تعدیل شده	۰/۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معناداری آماره F بیانگر است که رابطه توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین کند. از بین متغیرهای کنترلی، تنها تغییرات درآمد (β_4) در رابطه به دلیل اثرگذاری بر باقیمانده‌ها و پایداری مدل در نظر گرفته شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_2 منفی و معنادار (در سطح ۱٪) است؛ به این معنی که تغییرات هزینه در شرایط کاهش درآمد در مقایسه با افزایش درآمد

رابطه کمتری با درآمد دارد. به عبارتی، هزینه رفتاری نامتقارن را در پی دارد. به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش رد نشد.

فرضیه دوم

برای آزمون این فرضیه از رابطه (۲) استفاده شد. ضرایب رابطه برآوردشده، نتایج آزمون معناداری هر یک و کل رابطه در نگاره (۴) ارائه شده است:

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4
متغیر	عرض از مبدأ	$\log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$DUM_{it} * DFIN_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$\Delta Sale_{it}$
مقدار	۰/۱۳	۰/۰۳	-۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۱
آماره t	۳/۶	۱/۱۴	-۲/۵۸	۲/۲۱	۵/۳
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۲	۰/۲۵	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۶	۰/۰۲
آماره F		۱/۳۴	آماره دوربین-واتسون	۲/۴۵	
سطح معناداری		۰/۰۱	χ^2 تعدیل شده		۰/۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

دیگر شرکت‌ها رابطه مستقیمی با درآمد دارد؛ از این‌رو، تأمین مالی بانکی رفتار نامتقارن هزینه را کاهش می‌دهد و یک عامل اثرگذار بر تصمیمات مدیران در خصوص تعیین رفتار هزینه است. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش رد نشد.

فرضیه سوم

برای آزمون این فرضیه از رابطه (۳) استفاده شد. ضرایب رابطه برآوردشده، نتایج آزمون معناداری هر یک و کل رابطه در نگاره (۵) ارائه شده است:

نگاره ۵: نتایج آزمون فرضیه سوم

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4
متغیر	عرض از مبدأ	$\log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$DUM_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$DUM_{it} * DFIN_{it} * \log \left[\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}} \right]$	$\Delta Sale_{it}$
مقدار	۰/۱۰	۰/۰۶	-۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۶
آماره t	۲/۹۷	۲/۲۲	-۲/۵۸	۱/۵۱	۳/۸۴
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۰۰
آماره F		۹/۱۹	آماره دورین - واتسون	۲/۱۲	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	χ^2 تعدیل شده		۰/۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در مقایسه با دیگر شرکت‌ها کاهش می‌دهند، اما این کاهش معنادار نیست؛ به عبارتی، کیفیت حسابداری بر رفتار نامتقارن هزینه در شرکت‌هایی که از نظام بانکی تأمین مالی می‌نمایند، به طور معنادار اثرگذار نیست. به این ترتیب، فرضیه سوم پژوهش رد شد.

نتیجه‌گیری

مدیریت هزینه یکی از کم‌خطرترین و در دسترس‌ترین روش‌هایی است که مدیریت می‌تواند از طریق آن عملکرد شرکت را به شیوه‌ای مطلوب نمایش دهد. مدیر می‌تواند هزینه‌ها را از طریق اقدام

سطح معناداری آماره F بیانگر است که رابطه توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین کند. از بین متغیرهای کنترلی، تنها تغییرات درآمد (β_4) به دلیل اثرگذاری بر باقیمانده‌ها و پایداری مدل در رابطه لحاظ شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_2 منفی است؛ بنابراین هزینه به طور میانگین رفتار نامتقارن دارد. به‌علاوه، ضریب β_3 مثبت و معنادار (در سطح ۰/۰۵) است؛ به این معنی که هزینه در شرکت‌هایی که تأمین مالی بانکی می‌کنند و کاهش درآمد دارند، در مقایسه با

سطح معناداری آماره F بیانگر است که رابطه توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین کند. از بین متغیرهای کنترلی، تنها تغییرات درآمد (β_4) به دلیل اثرگذاری بر باقیمانده‌ها و پایداری مدل در رابطه در نظر گرفته شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_2 منفی است؛ بنابراین هزینه به طور میانگین رفتار نامتقارن دارد. به‌علاوه، ضریب β_3 مثبت است، اما معنادار نیست؛ به این معنی، شرکت‌هایی که اقدام به تأمین مالی بانکی می‌کنند و از حساب‌برسان با کیفیت نیز بهره می‌گیرند هزینه‌های خود را در هنگام کاهش درآمد

تعهدی و فعالیت‌های واقعی مدیریت کند که در این بین سهم فعالیت‌های واقعی در مدیریت هزینه بیشتر است؛ زیرا این فعالیت‌ها را هم با احتمال کمتری حسابرس کشف می‌کند و هم کنترل‌پذیرتر هستند. پژوهشگران در سال‌های گذشته کوشیده‌اند دانش موجود در ارتباط با عوامل مؤثر بر تعیین ساختار هزینه‌ها توسط مدیر را غنای بیشتری بخشند. در دیدگاه سنتی، فرض بر آن بود هزینه در برابر محرک‌هایی مانند فروش، رفتاری متقارن از خود به نمایش می‌گذارد و می‌توان آن را در بازهٔ مربوطی^۱ از فعالیت به شکل تابعی خطی برآورد کرد [۲۵، ۳۶]؛ اما کار اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد هزینه رفتاری نامتقارن دارد؛ یعنی متناسب با سطح فعالیت حرکت نمی‌کند و نسبت به تغییرات رو به بالا و رو به پایین فعالیت، از خود واکنش متفاوتی نشان می‌دهد [۲۹]. پژوهشگران این رفتار را به تصمیماتی نسبت دادند که مدیر به صورت عامدانه و هدفمند در خصوص تعدیل منابع اخذ می‌کند. انتساب رفتار هزینه به اختیارات مدیریتی این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که تا چه اندازه مدیر در اخذ این قبیل تصمیمات، منافع شخصی خود را مبنا قرار می‌دهد [۳۱]. چنانچه مدیر به دنبال کسب منفعت بیشینه برای شرکت باشد و برای اجتناب از هزینه‌های تأمین مجدد منابع و افزایش هزینه‌ها در بلندمدت ترجیح دهد هزینه‌های بیشتری را برای نگاهداشت منابع بدون استفاده در کوتاه‌مدت متحمل شود، آنگاه رفتار نامتقارن هزینه نتیجهٔ یک رفتار منطقی است. اما اگر مدیر را فرد منفعت‌طلبی دانست که به علت نگرانی‌هایی مانند حفظ جایگاه و قدرت سازمانی،

حسن شهرت و پاداش، ظرفیت تولیدی شرکت را ثابت نگاه دارد، آنگاه رفتار نامتقارن هزینه نتیجهٔ تصمیم‌گیری‌های فرصت‌طلبانه اوست [۲۰، ۳۱]. هرچه شرکت منابع بیشتری را از طریق قراردادهای بدهی تأمین کند، مدیر انگیزهٔ بالاتری برای مدیریت هزینه و رعایت مفاد قراردادهای بدهی دارد. بنابراین چنانچه مدیر در نگهداشت منابع انگیزه‌های منفعت‌طلبانه داشته باشد، ممکن است تأمین مالی او را ترغیب کند منابع خود را در شرایط کاهش درآمد به شیوه‌ای کاهشی تعدیل کند و رفتار نامتقارن هزینه را کاهش دهد. در این شرایط، نظارت وام‌دهندگان بر مفاد قراردادهای بدهی از طریق سازوکار حسابرسی مستقل، فرصت رفتار فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد و بر رفتار نامتقارن هزینه اثر می‌گذارد. اما چنانچه مدیر به دلیل ابهام نسبت به آینده و یا باور به کاهش موقتی درآمد، هزینه را به شیوه‌ای نامتقارن مدیریت کند، انتظار بر آن است تأمین مالی بانکی رفتار نامتقارن هزینه را تقویت کند و در این شرایط حسابرسی مستقل، با نگاه محتاط یا رفتار نامتقارن هزینه را تقویت کند و یا بر آن اثر نگذارد [۸، ۲۱، ۱۳]. حسابرسی مستقل یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر راهبری شرکتی است. در ایران هم به منظور حفظ حقوق تأمین‌کنندگان مالی بر کیفیت حسابرسی تأکید شده است؛ به گونه‌ای که مطابق دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد، مؤسسات حسابرسی به چهار طبقه دسته‌بندی شده‌اند و شرکت‌ها باید حسابرس مستقل خود را از بین مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس، متناسب با شاخص‌های میانگین دارایی‌ها و درآمد، ارزش بازار شرکت و تعداد کارکنان انتخاب کنند.

¹ Relevant range

درآمد به شکل فرصت طلبانه کاهش دهد؛ یا آنکه او را ناچار سازد بر خلاف منافع شخصی‌اش، هزینه را کاهش دهد و در راستای منافع شرکت اقدام به تأمین مالی کند. این در حالی است که عواملی مانند سیاست‌های اعتباری بانک‌ها در کشورها یا دوره‌های زمانی متفاوت، بستر قانونی و سازوکارهای راهبری شرکت و شیوه اعمال نظارت بانک‌ها می‌تواند بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد و آنها را در تقابل با یافته‌های برخی پژوهش‌ها قرار دهد. نتایج آزمون فرضیه سوم هم نشان داد کیفیت حسابرسی بر رفتار هزینه در شرکت‌هایی که از نظام بانکی تأمین مالی کرده‌اند، اثرگذار نیست. این نتایج با یافته‌های مرور شده در این پژوهش مطابقت ندارد [۴۳، ۳۰، ۳۳، ۴، ۱۱، ۱۲]؛ علت مشاهده چنین موضوعی می‌تواند آن باشد که شرکت‌ها در شرایط تأمین مالی برای اجتناب از افزایش ریسک اعتباریشان ترجیح می‌دهند هزینه‌هایشان را اغلب از طریق فعالیت‌های واقعی و با دقت بیشتری مدیریت کنند؛ به این ترتیب، حسابرسان مستقل نمی‌توانند نقش چندانی بر کنترل رفتار مدیریت هزینه داشته باشند؛ زیرا تشخیص رفتار مدیریت هزینه از مجرای فعالیت‌های واقعی در مقایسه با ارقام تعهدی برای حسابرسان دشوارتر است. عواملی از قبیل تعاریف متفاوت از کیفیت حسابرسی، توجه به سایر عناصر نظام راهبری شرکتی و بستر قانونی را می‌توان در مشاهده چنین تفاوتی مؤثر دانست.

هر پژوهش در مسیر خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که در تفسیر نتایج باید مدنظر قرار گیرد؛ این پژوهش نیز از این موضوع مبری نبود. آنچه در این پژوهش تأمین مالی تعریف شد، تغییرات مانده تسهیلات بلندمدت شرکت بیش از یک آستانه معین

در این پژوهش رابطه تأمین مالی بانکی با رفتار هزینه بررسی و اثر کیفیت حسابرسی بر آن آزمون شد؛ هدف پاسخ به این پرسش‌ها بود که آیا تأمین مالی بانکی بر تصمیمات مدیریت در خصوص تعدیل منابع در شرایط کاهش درآمد اثرگذار است؟ و آیا کیفیت حسابرسی می‌تواند رفتار هزینه را در شرکت‌هایی تغییر دهد که تأمین مالی بانکی می‌کنند؟ به این منظور داده‌های ۱۲۷ شرکت (۷۶۲ شرکت-سال) پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با استفاده از روش تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد هزینه به طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد؛ این نتیجه با یافته‌های برخی پژوهش‌ها [۲۲، ۱۹، ۳۷، ۱، ۶، ۹، ۱۰، ۱۶، ۱۷] تطبیق دارد و با برخی پژوهش‌ها [۱۹] تطبیق ندارد؛ علت چنین تفاوتی را می‌توان در نوع هزینه‌های تحلیل‌شده در پژوهش دانست. به علاوه، به پشتوانه شواهد حاصل از آزمون فرضیه دوم، تأمین مالی بانکی رفتار نامتقارن هزینه را کاهش می‌دهد؛ به این معنی که هزینه در شرکت‌هایی که تأمین مالی بانکی کرده‌اند، در شرایط کاهش درآمد در مقایسه با دیگر شرکت‌ها به میزان بیشتری کاهش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های برخی پژوهش‌ها [۲۱، ۲۹، ۳۱، ۲، ۱۴] همگراست و با نتایج برخی پژوهش‌ها [۳۲] تطبیق ندارد. چنین نتیجه‌ای بیان می‌کند انگیزه‌های قراردادی مدیران را ترغیب می‌کنند به منظور پوشش شرایط مندرج در قراردادهای بدهی، هزینه را مدیریت کنند. چنین رفتاری را می‌توان از هر دو منظر انگیزه‌های منفعت طلبانه و رفتار اقتصادی تفسیر کرد؛ به این ترتیب که انگیزه‌های قراردادی ممکن است مدیریت را بر آن دارد تا به منظور دسترسی به منابع بیشتر، هزینه را در شرایط کاهش

بود؛ چنین تعریفی، تفسیر نتایج پژوهش با احتیاط بیشتر را ضروری می‌کند؛ زیرا چنانچه تأمین مالی با تسویه یک تسهیلات قبلی توأمان صورت پذیرد، آنگاه مانده تسهیلات بلندمدت ممکن است در آستانه تعیین‌شده تغییر نکند.

نتایج پژوهش حاضر بستری مناسب برای ارائه پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند. با توجه به آنکه قانون تجارت، منشور کمیته حسابرسی و منشور حسابرس داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار و اساسنامه نمونه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، سازوکارهای متفاوتی برای نظارت بر شرکت‌ها، حمایت از منافع تأمین‌کنندگان مالی و کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مستقر کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود در کنار کیفیت حسابرسی نقش عناصر دیگری چون استقلال هیأت‌مدیره، کمیته حسابرسی و ساختار مالکیت بر رفتار هزینه در شرکت‌هایی بررسی شود که از طریق بدهی تأمین مالی می‌کنند. به علاوه، اینکه چه اندازه ساختار راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری شرکت‌ها در تعیین شرایط قراردادهای بدهی و هزینه‌های مالی مؤثر است، از دیگر موضوعات شایسته پژوهش است. این در حالی است که می‌توان با استفاده از فنون داده‌کاوی به تعیین ویژگی شرکت‌هایی پرداخت که در شرایط تأمین مالی بانکی اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

به پشتمان نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهادهایی کاربردی را برای بهره‌مندی نهادهای مربوطه ارائه کرد. نتایج این پژوهش نشان داد مؤسسات حسابرسی معتمد بورس که در طبقه اول قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند بر رفتار هزینه اثر بگذارند؛ چنین نتیجه‌ای به دو علت می‌تواند حاصل شود: اول، بخش عمده‌ای از مدیریت هزینه از طریق فعالیت‌های

عملیاتی صورت می‌پذیرد؛ در این صورت شایسته است سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی توجه بیشتری از منظر اطلاع‌رسانی و افشاء به فعالیت‌های عملیاتی شرکت در خصوص مدیریت هزینه داشته باشند؛ و دوم، معیارهای تعریف‌شده به‌منظور طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و کیفیت حسابرسی آنها دقت نظر لازم را ندارد؛ در این صورت شایسته است سازمان بورس و اوراق بهادار رویکرد خود را از تمرکز بر دروندادها با توجه بر بروندادها تغییر دهد. اگرچه، تنظیم محتوای قراردادهای بدهی توسط بانک‌ها هم می‌تواند به شیوه‌ای صورت پذیرد که انگیزه‌های قراردادی را در راستای مدیریت هزینه تضعیف کند؛ به گونه‌ای که عملکرد شرکت‌ها در بازه‌ای میان‌مدت سنجیده شود تا نوسانات موقت درآمد نتواند بر توانمندی آنها در جذب منابع اثر بگذارد. به علاوه، نتایج پژوهش بیانگر آن بود که چنانچه تصمیمات مدیر درباره مدیریت هزینه، منفعت‌طلبانه باشد و از طریق فعالیت‌های واقعی صورت پذیرد، آنگاه سازوکار نظارتی بانک نمی‌تواند باعث کاهش ریسک اعتباری مشتریان شود. به این ترتیب، پیشنهاد می‌شود بانک‌ها در کنار استفاده از خدمات حسابرسی صورت‌های مالی از دیگر خدمات اعتباردهی حساب‌رسان مستقل استفاده کنند تا زمینه مناسب برای کاهش رفتارهای منفعت‌طلبانه‌ای فراهم شود که از انگیزه‌های قراردادی حاصل می‌شود.

منابع

- ۱- اسماعیل‌زاده، علی و علی مهرنوش. (۱۳۹۳). رابطه چسبندگی هزینه‌ها با کیفیت سود و خطای پیش‌بینی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، شماره ۲۱، صص ۳۷-۶۱.

- ۲- احمدی مقدم، منصور. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین محدودیت در تأمین مالی، تصمیمات تأمین مالی و ریسک جریان نقدی آزاد با انواع مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصادی و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان.
- ۳- اصفهانیان، مهشید، آقابرای، مهرزاد و احسان صفری. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مدیریت سود و هزینه های تأمین مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس حسابداری و مدیریت.
- ۴- باقری، شبنم. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط چسبندگی هزینه های فروش، عمومی و اداری با حاکمیت شرکتی برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود.
- ۵- پورحیدری، امید و عباس غفارلو. (۱۳۹۰). تأمین مالی و تغییرات سطح محافظه کاری مشروط حسابداری. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۶، صص ۱۵-۶۸.
- ۶- چراغی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). بررسی ساختار و رفتار چسبندگی هزینه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
- ۷- حیدرپور، فرزانه و مجید طاهروردی. (۱۳۹۴). تأثیر مدیریت سود بر رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود. مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۴۴-۵۷.
- ۸- خانی، عبدالله، امیری، هادی و محمدعلی شاه محمدی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر انگیزه های شخصی مدیران بر عدم تقارن هزینه ها در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، سال ۶، شماره اول، صص ۵۷-۷۴.
- ۹- زنجیردار، مجید، غفاری آشتیانی، پیمان و زهرا مداحی. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر چسبندگی هزینه. فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۷۹-۹۱.
- ۱۰- شییه، سکینه، فتحی، زهرا و سحر سپاسی. (۱۳۹۳). آزمون چسبندگی هزینه: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۶۳-۱۷۷.
- ۱۱- صفرزاده، محمدحسین و بهزاد بیگ پناه. (۱۳۹۳). تأثیر چسبندگی هزینه بر برآورد محافظه کاری شرطی. پژوهش های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۹-۵۹.
- ۱۲- علیمزادی، محمد و سعید علی احمدی. (۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی و رفتار نامتقارن هزینه های اداری، عمومی و فروش در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۶۲-۱۷۶.
- ۱۳- کردستانی، غلامرضا، و مرتضی مرتضوی. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل تعیین کننده چسبندگی هزینه های شرکت. پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۱۳-۳۲.

- 22- Bradbury, M., and T. Scott. (2014). Do Managers Understand Asymmetric Cost Behavior?. Available at www.ssrn.com.
- 23- Chen, S, Xu, S., and D. Wu. (2014). Corporate Governance and The Asymmetric Behavior of Selling, General and Administrative Costs: The Evidence from State Antitakeover laws. Available at: www.ssrn.com.
- 24- Cohen, A., and P. Zarowin. (2010). Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, Pp. 2-19.
- 25- Demski, J.S. (2008). Managerial Uses of Accounting Information, New York, Springer Science Business Media.
- 26- Haw, I, Lee, J., and W. Lee. (2013). Earnings Management and Debt Ownership Structure in Spanish Firms. Available at www.ssrn.com.
- 27- He, D; Teruya, J.; and T. Shimizu. (2010). Sticky Selling, General and Administrative Cost Behavior and Its Changes in Japan. Available at www.ssrn.com.
- 28- Healy, P.M., and J.M. Wahlen. (1999). [A Review of Earnings Management Literature and Its Implication for Standard Settings, Accounting Horizon, Vol. 13, Pp. 365-383.](#)
- 29- Ho Koo, J, Song, S., and T. Paik. (2015). Earnings Management and Cost Stickiness. *Accounting Science and Technology Letter*, Vol. 84, Pp. 40-44.
- 30- Hong, L, Yong-Liang, Z., and L. Bao-Hua. (2015). Executive Compensation, Corporate Governance and Cost Stickiness in State-Owned Enterprise. *Economic Survey* , Vol. 32, Pp. 22-41.
- 31- Kama, I., and D. Weiss. (2013). Do Earnings Targets and Managerial Incentives Affect Sticky Costs. *Journal of Accounting Research*, Vol. 51, Pp. 1-23.
- 32- Lee, W, Pittman, J., and W. (2015). Political Uncertainty and Cost Stickiness: Evidence from National Elections Around The World. Available at www.ssrn.com.
- 33- Liang, S, Chen, D., and X. Hu. (2014). External Auditor Types and The Cost
- ۱۴- میرحیدری، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مدیریت سود و هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌های صنایع دارویی و صنایع شیمیایی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ۱۵- مهام، کیهان، طالبی، بهمن و سعید علی پور. (۱۳۹۱). ارتباط بین بدهی و مدیریت سود. دهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- ۱۶- نمازی، محمد، غفاری، محمد جواد و مرضیه فریدونی. (۱۳۹۱). تحلیل بنیادی رفتار چسبده هزینه‌ها و بهای تمام‌شده بر دامنه تغییرات در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۱۷۷-۱۵۱.
- ۱۷- نمازی، محمد و ایرج دوانی پور. (۱۳۸۹). بررسی تجربی رفتار چسبده هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۲، صص ۸۵-۱۰۲.
- ۱۸- نیکومرام هاشم، رهنمایی رودپشتی، فریدون و عاطفه مصحفی. (۱۳۹۱). ارزیابی کاربرد تئوری توازن پایدار در ساختار سرمایه شرکت. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۴۲-۲۱.
- 19- Abu-Serdaneh, J. (2014). The Asymmetric Behavior of Cost: Evidence from Jordan. *International Business Research*, Vol. 7, Pp. 113-122.
- 20- Banker, R., and D. Byzalov. (2014). Asymmetric Cost Behavior. Available at www.ssrn.com.
- 21- Banker, R., and S. Fang. (2013). Loan Financing and Real Cost Management. Available at www.ssrn.com.

- International Journal of Information Technology and Business Management*, Vol. 11, No. 1, Pp. 22-34.
- 39- Rannen, J.E., and V. Yaari. (2008). Earnings Management: Emerging Insights in Theory. Practice and Research, New York, Springer.
- 40- Saunders, M, Lewis, P, and A. Thornhill. (2009). Research Methods for Business Students, Pearson Education Edited, 5th.
- 41- Schipper, K. (1989). Commentary on Earnings Management, [*Accounting Horizons*, Vol. 3, Issues. 5/6, Pp. 91-102.](#)
- 42- Scott, W., (2014), Financial Accounting Theory. 7th Edition, Pearson Inc.
- 43- Xu, S., and Y. Hong. (2015). Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness. *China Journal of Accounting Research*, Article in Press.
- 44- Zhu, X., and S. Lu. (2013). Earnings Management Through Real Activities Manipulation Before Mergers and Acquisitions. *Journal of Finance & Accountancy*, Vol. 13, Pp. 1-10.
- Stickiness of Listed Companies. *China Journal of Accounting Studies*, Vol. 2, No. 4, Pp. 294-322.
- 34- [McKee](#), TE. (2005). Earnings Management: An Executive Perspective. Mason, Oh: Texer Thomson Higher Education.
- 35- Nawaiseh, M. (2016). Impact of External Audit Quality on Earnings Management by Banking Firms: Evidence from Jordan. *British Journal of Applied Science & Technology*, Vol. 12, Pp. 1-14.
- 36- Pichetkun, N. (2012). *The Determinants of Sticky Cost Behavior on Political Costs, Agency Costs and Corporate Governance Perspective*; A Dissertation in Business Administration; Rajamangala University.
- 37- Porporato, M., and E. werbin. (2010). Active Cost Management in Banks: Evidence of Sticky Costs in Argentina. Brazil and Canada, Available at www.ssrn.com.
- 38- Rahman, F, Moniruzzaman, M, and J. Sharif. (2012). Techniques, Motives and Controls of Earnings Management.